



نفت، توسعه و کشورهای عرب

فریدون برکشلی

کشورهای عربی با ۱۰ درصد مساحت کره زمین، بیش از ۶۰ درصد ذخائر نفتی و حدود ۲۲ درصد منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارند، ولی در همین حال ممالک عربی با درآمد سرانه متوسط ۲۱۰۰ دلار در زمره کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند. جهان عرب مجموعه‌ای است از چند کشور مستقل که توسط مرزهای جغرافیایی از یکدیگر جدا شده‌اند. این مرزها عمدتاً طی نیمه اول قرن بیستم توسط نیروهای خارجی در بین دنیای عرب ترسیم گردید و به تدریج نظامهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت از دیگری متمایز شدند. پس از کشف و تولید تجاری نفت، مرزهای اقتصادی جدیدی این کشورها را بیش از پیش از یکدیگر جدا ساخته است. برای

فرصت مناسبی است برای ارزیابی دستاوردهای توسعه این کشورها و روند آتی آن. به اعتقاد نگارنده چنانچه روند قیمت پائین نفت و در نتیجه سطح نازل درآمدهای نفتی در کشورهای عربی ادامه پیدا کند نه تنها روند رشد اقتصادی کاذب این کشورها سخت تحت الشعاع قرار خواهد گرفت، بلکه ثبات سیاسی و اجتماعی که به یمن درآمدهای نفتی و رفاه اجتماعی بی حساب شکل گرفته نیز متزلزل خواهد شد و در آن صورت دولت‌های عربی منطقه خاورمیانه علیرغم حمایت بیدریغ متحدان غربی طی دهه آتی دستخوش تحولات تازه‌ای می‌گردند، که بی‌شک در تاریخ معاصر این ممالک تجربه‌ای بی‌سابقه خواهد بود.

□

طی دهه‌های اخیر خاورمیانه همواره کانون توجهات بین‌المللی بوده است. عمده این توجهات معطوف به مسائل سیاسی و مخاصمات نظامی منطقه‌ای بوده و نفت در مرکز ثقل این مناقشات قرار داشته است. از ابتدای دهه ۱۹۷۰ و با وقوع اولین شوک نفتی که طی آن قیمت بین‌المللی نفت به چهار برابر افزایش پیدا کرده کشورهای عربی با عطش فراوانی برنامه‌های جاه‌طلبانه اقتصادی جدیدی را در پیش گرفتند. شوک دوم نفتی در طول نیمه اول دهه ۱۹۸۰ مجدداً قیمت جهانی نفت را به چهار برابر رسانید و به همین ترتیب برنامه‌های اقتصادی کشورهای عربی نیز شتابی تازه پیدا کرد. سقوط قیمت نفت در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ که تاکنون نیز ادامه دارد

مثال از یکسو کویت با درآمد سرانه ۱۸۵۲۷ دلار و از طرف دیگر کشور سودان با درآمد سرانه ۲۲۸ دلار با بدبینی و حسادت از دو سوی دریای سرخ نظاره‌گر یکدیگرند.

در یک تقسیم‌بندی کلی ممالک عربی را می‌توان به کشورهای منطقه خلیج فارس و کشورهای خارج از منطقه خلیج فارس تقسیم‌بندی کرد. در این مقاله کوشش خواهد شد تا ضمن مقایسه کشورهای عربی با یکدیگر و با بقیه جهان، وضعیت حال و آینده حدود ۲۵۰ میلیون تن از جمعیت دنیا را مورد بررسی قرار دهیم.

کشورهای عربی در دوران قبل از نفت

نفت در کشورهای عربی در اوایل قرن بیستم کشف شد لیکن تا اواسط قرن حاضر، بخش نفت و درآمدهای حاصل از آن تأثیر مشخصی در اقتصاد این مناطق بر جای نگذارد. عملیات اکتشاف صادرات نفت در چهارچوب موافقتنامه‌های واگذاری و سپس سهیم شدن در تولید، به شرکت‌های بزرگ خارجی انجام می‌شد. شرکت‌های نفتی مبالغ ناچیزی را به صورت بهره مالکانه به حکام عرب پرداخت می‌کردند. با وقوع جنگ جهانی دوم، اهمیت نفت به‌عنوان یک منبع انرژی ممتاز بیش از گذشته شناخته شد و رقابت میان ممالک صنعتی و شرکت‌های بزرگ نفتی بالا گرفت.

در این میان کشورهای عربی نیز به‌آرامی جایگاه این ماده حیاتی را که در اختیار خود داشتند، درک کردند و متقاضی سهم بیشتری از درآمد حاصل از آن شدند. نفت در کشورهای عربی، برخلاف کشورهای نظیر ایران، ونزوئلا و مکزیک، خود منشاء و محور مبارزات سیاسی و اجتماعی برای رهائی از حکومت‌های خودکامه و یا سلطه بیگانه نبود ولی در درآمدهای حاصل از آن تغییراتی را موجب گشت که تدریجاً کشورهای عربی را متوجه اهمیت نفت و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن نمود.

ماهیت نفت نیز آنچنان است که با نظام حکومتی و شرایط سیاسی و اجتماعی

موجود در مناطق عربی سازگار نبود. تولید و صادرات نفت نمی‌توانست با وجود نظام‌های قبیله‌ای، جوامع غیرمتمرکز و پراکنده تداوم یابد. قانون تولید و صدور نفت حکم می‌کرد که مناطق امنی باشند و دولتهای مرکزی و مقتدر از جریان آن حفاظت کنند.

از اوایل قرن بیستم میلادی در کمربند نفتی از ایران و شبه جزیره عربستان تا شمال آفریقا در طول پنج دهه، به تدریج دولتهای ضعیف و غیرمتمرکز جای خود را به حکومت‌های مقتدر و تلدر نظامی یا شبه‌نظامی دادند. در واقع کشورهای استعماری که زمانی منافع خود را در برقراری و تداوم دولتهای ناتوان و غیرمتمرکز که فاقد قدرت حفظ امنیت و تمامیت ارضی می‌دیدند، با ورود به عصر نفت منافع خویش را در گرو ایجاد و حمایت از حکومت‌هایی می‌دیدند که اینک با ماهیت صنعت نفت سازگار باشد.

لیکن تا قبل از اولین شوک نفتی در سال ۱۹۷۳ میلادی، درآمدهای نفتی هنوز آنچنان در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشورهای عرب نفوذ نکرده بود. درآمد نفتی کشورهای عربی از ۸/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۲۲/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۳ و سپس ۶۸/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۵ رسید.

در سال ۱۹۸۰ به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و وقوع شوک دوم نفتی، درآمد کشورهای عرب تولیدکننده و صادرکننده نفت به مرز ۲۱۶/۹ میلیارد دلار رسید و در سال ۱۹۸۱ نیز تداوم یافت، لیکن از آن پس به تدریج روند نزولی پیدا کرد و در نتیجه در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ به ترتیب به ۹۳ و ۵۰ میلیارد دلار رسید. کشورهای عربی در سال ۱۹۹۴ و ۱۹۹۵ به ترتیب به ۸۶ و ۹۰ میلیارد دلار درآمد نفتی کسب کردند. جدول شماره (۱) مقایسه اجمالی مجموع کشورهای عربی با چند کشور جهان را نشان می‌دهد. کشورهای عربی با ۲۴۷ میلیون نفر جمعیت و ۱۳۴ میلیارد دلار درآمد صادراتی (کل صادرات)، در میان کلیه کشورهای مورد مقایسه که طیفی از

کشورهای صنعتی مانند ژاپن، ایتالیا، هلند و کشورهای در حال توسعه و تازه صنعتی شده نظیر کره جنوبی، ترکیه و رژیم اشغالگر قدس را شامل می‌شود، دارای پائین‌ترین درآمد سرانه می‌باشند. متوسط درآمد سرانه مجموعه کشورهای عرب حتی از درآمد سرانه ترکیه نیز پائین‌تر است.

پی آمد روند جاری درآمدهای نفتی بر توسعه اقتصادی کشورهای عرب

کاهش قدرت مالی کشورهای عرب صادرکننده نفت که تا حدی بر وضعیت اقتصادی سایر ممالک عربی نیز تأثیرات منفی خود را تسری می‌دهد، مستقل از وخامت فزاینده‌ای که در ساختار اقتصادی آنان ایجاد نموده، روند پاره‌ای از تحولات منفی در این کشورها را ریشه در گذشته‌ای دورتر دارد تسریع کرده است. در بُعد اقتصادی نیز درآمدهای سرشار نفتی اجازه بروز نابسامانی‌های ناشی از سیاست‌های غلط و نابخردانه توسعه را محدود می‌ساخت. استراتژی توسعه در کشورهای نفتخیز عرب بر پایه باور امکان حفظ و استمرار و بلکه افزایش درآمدهای نفتی طراحی گردیده بودند.

در کشورهای عرب نفتخیز درآمدهای حاصل از صدور نفت به ایجاد سیستم‌های رفاهی پر هزینه گسترش نامحدود مکانیزم یارانه در اقتصاد انجامیده بود که تداوم آن برای دولتها، اینک دائماً مشکلتر می‌شود. از سوی دیگر درآمدهای نفتی در این کشورها الگویی از مصرف و رفستار اقتصادی، اجتماعی را شکل داده که نه استمرار آن میسر است و نه کاهش یا قطع آن از سوی دولت و جامعه قابل قبول است. در همین حال شهروندان عرب کشورهای غیر نفتی نیز به طرق گوناگون از درآمد سرشار کشورهای صادرکننده نفت سود می‌بردند. تأثیر درآمد نفت بر کشورهای غیر تولیدکننده از چهار طریق صورت می‌گرفت:

۱- کمک‌های توسعه‌ای دوجانبه و چند جانبه که طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۸۲ بالغ بر یکصد میلیارد دلار گردید.

جدول شماره ۱
مقایسه آماری کشورهای عربی با چند کشور منتخب
(سال ۱۹۹۵)

صادرات (میلیارد دلار)	درآمد سرانه (دلار)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	
۱۱۳۴ (۱)	۲۰۳۵	۵۰۳	۲۴۷	کشورهای عربی
۳۹۷	۳۴۶۳۰	۴۳۲۱	۱۲۴/۸	ژاپن
۱۹۰	۱۹۲۷۰	۱۱۰۱	۵۷/۲	ایتالیا
۷۳	۱۳۲۸۰	۵۲۵	۳۹/۶	اسپانیا
۹۶	۸۲۲۰	۳۶۶	۴۴/۶	کره جنوبی
۱۵۷	۲۱۹۷۰	۳۳۸	۱۵/۴	هلند
۱۵۱	۲۱۶۵۰	۱۲۶	۵/۸	هنگ کنگ
۱۶	۲۴۵۰	۱۲۹	۶۰/۸	ترکیه
۹۷	۲۳۳۶۰	۶۶	۲/۸	سنگاپور
۱۷	۱۴۴۱۰	۷۸	۵/۴	رژیم صهیونیستی

۱- شامل درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی

مأخذ

1. The World Bank Atlas, 19960
2. International Financial Statistics Yearbook, 1996

سالهای گوناگون تابعی از درآمدهای نفتی بوده است. کشورهای مذکور تقریباً در تولید و صادرات هیچ کالای مهمی مزیت ندارند. در اقتصاد اکثر کشورهای عربی از الگوی توسعه خاصی پیروی نمی‌شود و نیمه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی تابعی از درآمدهای نفتی است. تجارت ما بین کشورهای عربی در مقایسه با تجارت آنان با کشورهای صنعتی ناچیز است. جدول شماره (۳) نسبت به مبدأ و مقصد صادرات و واردات کشورهای عربی را نشان می‌دهد. بیشترین درصد واردات و صادرات کشورهای عربی به اروپای غربی تعلق دارد. آمریکا در واردات مقام دوم و در صادرات پس از ژاپن مقام دوم را دارد. کشورهای عربی ۸/۹ درصد از صادرات و ۸/۳ درصد از واردات را به خود اختصاص داده‌اند. سهم کشورهای اسلامی در صادرات و واردات کشورهای عربی کمترین است.

نفر کمترین و مصر با ۵۷/۸ میلیون نفر بیشترین جمعیت را دارد. تولید ناخالص داخلی عربستان بالغ بر ۱۱۶/۳۸ میلیارد دلار که این کشور را از این دیدگاه، در بالاترین مقام قرار می‌دهد، ولی از نظر درآمد سرانه کویت در مقام اول است. در صادرات و واردات نیز عربستان جایگاه اول را در میان کشورهای عربی داراست. مصر با صادرات ۴/۹ میلیارد دلار و واردات ۸/۶ میلیارد دلار سالهاست که از تراز بازرگانی منفی رنج می‌برد. در مجموع کشورهای عربی با ۱۳۵ میلیارد دلار صادرات و ۱۱۷ میلیارد دلار واردات در سال ۱۹۹۴ از تراز تجاری مثبتی برخوردار بودند.

علیرغم منابع عظیم مالی که به کشورهای عربی و علی‌الخصوص کشورهای عرب منطقه خلیج فارس وارد شده است. این کشورها همچنان توسعه نیافته‌اند. رشد اقتصادی این کشورها در

۲- سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌های ملی این کشورها از طریق سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی که طی دوره فوق به حدود ۴۰ میلیارد دلار رسید.
۳- ارسال وجه نقد از طرف کارگران عرب شاغل در کشورهای نفتخیز عرب که در طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۲ به میزان ۹۵ میلیارد دلار برآورد گردیده است.
۴- بازرگانی و جهانگردی نیز در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۰ حدود ۵۰ میلیارد دلار نصیب کشورهای عرب غیر تولیدکننده نفت ساخت.
معدک اختلافات چشمگیری در شاخصهای اقتصادی کشورهای عرب تولیدکننده و غیرتولیدکننده نفت وجود دارد که غالباً حسادت آنان را بر علیه یکدیگر به دنبال دارد. جدول شماره (۲) وضعیت متغیرهای اقتصادی بیست و یک کشور و منطقه عربی را بیان می‌سازد. در میان کشورهای عربی، بحرین با ۵۶۰ هزار

جدول شماره ۲
شاخص های اقتصادی کشورهای عرب
(سال ۱۹۹۵)

کشورها	جمعیت (میلیون نفر)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)	درآمد سرانه (دلار)	صادرات (میلیارد دلار)	واردات (میلیارد دلار)
اردن	۴/۱	۵/۹۲	۱۴۴۴	۱/۱۴	۳/۳۸
امارات متحده عربی	۲/۴	۳۵/۴۷	۱۴۷۷۹	۲۲/۸	۲۱/۸
بحرین	۰/۵۶	۴/۲۵	۷۵۸۹	۶/۳	۵/۲
تونس	۸/۷	۱۵/۲۷	۱۷۵۵	۴/۶	۶/۶
جیبوتی	۰/۵۷	۰/۵۹	۱۰۳۵	۰/۰۱۶	۰/۲۲
الجزایر	۲۷/۳	۴۰/۷	۱۴۹۱	۱۰/۴	۹/۲
عمارتان سعودی	۱۷/۸	۱۱۶/۳۸	۶۵۳۸	۴۱/۷	۲۳/۳
سودان	۲۸/۹۷	۶/۶	۲۲۸	۰/۳۶	۰/۶۲
سوریه	۱۳/۸	۱۴/۷۵	۱۰۶۹	۳/۲	۳/۹
سومالی	۹/۰۴	N.A.	N.A.	۰/۱۲	۰/۱۹
عراق	۱۹/۹	۷۷/۸۲	۳۹۱۱	۰/۳۴	۰/۵
عمان	۲/۱	۹/۹۸	۳۷۵۲	۷/۴	۴
کرانه باختری	۱/۸	۲/۳	۱۲۷۸	۰/۳	۱/۳
قطر	۰/۵۹	۷/۱۶	۱۲۱۳۶	۳/۱	۱/۹
کویت	۱/۵	۲۷/۷۹	۱۸۵۲۷	۱۲/۵	۶/۷
لبنان	۲/۹	۸/۵	۲۹۳۱	۰/۵۹	۴/۶
لیبی	۴/۹	۳۸/۲۳	۷۸۰۲	۹/۵	۵/۵
مصر	۵۷/۸	۵۴/۶۳	۹۴۵	۴/۹	۸/۶
مراکش	۲۶/۶	۳۲/۴۳	۱۲۱۹	۳/۸	۷/۲
موریتانی	۲/۲	۰/۹۶	۲۳۶	۰/۴۴	۰/۵۸
یمن	۱۳/۵	۴/۱۱	۳۰۴	۱/۸	۱/۶
جمع کل	۲۴۷	۵۰۴	۲۰۴۰	۱۳۵	۱۱۷

Unified Arab Economic Report 1995.

جدول شماره (۳)
مبدأ و مقصد صادرات و واردات کشورهای عربی
(سال ۱۹۹۵)

صادرات	واردات	
۳۲	۴۱/۲	اروپای غربی
۱۰/۶	۱۲/۶	امریکای شمالی
۱۷	۹/۸	ژاپن
۸/۹	۸/۳	مابین اعراب
۴	۳/۲	کشورهای اسلامی
۲۷/۵	۲۴/۹	بقیه نقاط دنیا

مأخذ:

Unified Arab Economic Report 1995.

جدول شماره ۴
سهم کشورهای عربی از شاخصهای بین المللی

۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۰	۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۷۵	درصد از کل جهان
۱/۹	۲/۱	۲/۲	۳/۳۵	۲/۴۶	۲/۴۶	رشد ناخالص داخلی کشورهای عربی
۲/۸	۳/۱	۴/۲	۵/۶	۱۲	۹	صادرات کشورهای عربی

International Financial statistics, 1996 مآخذ:

در جدول شماره (۵) جزئیات آن مشاهده می شود. از بیست بانک و نهاد مالی عربی، صندوق عرب با ۷۶۳۴/۶۷ میلیون دلار بیشترین سرمایه گذاری را در کشورهای عربی انجام داده است. بانک اسلامی و صندوق اوپک (۱) مقامهای بعدی را دارا هستند. در پایان سال ۱۹۹۵، کشورهای عربی جمعاً ۲۵۴۳۱/۴۱ میلیون دلار (۶۰/۴ درصد) از کل سرمایه گذاریهای هشت مؤسسه مالی اعراب را به خود اختصاص داده اند.

در شرایط حاضر، ادامه اجرای طرحهای بزرگ و جاه طلبانه توسط دولت‌های عربی خلیج فارس، تنها با اتکاء به انجام سرمایه گذاریهای خارجی میسر خواهد بود. لیکن سرمایه گذاران خارجی علاقه چندانی به ورود به کشورهای عربی ندارند. در اغلب این کشورها، قوانین و مقررات برای این منظور طراحی نشده اند و اساساً ضوابط مشخص و مدونی در ارتباط با سرمایه گذاری خارجی و انتقال تکنولوژی موجود نیست. از سوی دیگر حکومت‌های غیرمردمی و غیردمکراتیک که با هیچ یک از معیارهای امروز جهانی سازگار و منطبق نیست، سرمایه گذاران را برای مشارکت فعال در طرحهای بزرگ بی علاقه می سازد. اغلب کشورهای عربی فاقد قوانین مدنی بوده و حضور سرمایه گذاران تنها از طریق جلب همکاری هزاران شاهزاده عرب امکان پذیر است.

در غیاب علاتمندی سرمایه گذاران خارجی، انتخاب دیگر بازگشت منابع مالی اعراب در خارج از کشورهای خویش

زمینه های تغییر جهت در سیاستهای اقتصادی

از اوایل دهه حاضر، اکثر کشورهای عربی، خصوصاً کشورهای حوزه خلیج فارس می کوشیدند تا به بازنگری در اهداف در استراتژی توسعه ملی خود همت گمارند. کشورهای منطقه خلیج فارس با استفاده از نظرات مشورتی کارشناسان بانک جهانی و متخصصین بین المللی اقتصادی، اهداف جدید خود را با کاهش سرانه از بخشهای خدماتی و رفاهی و نیز منطقی کردن قیمت فرآورده های نفتی شروع کردند. عربستان در میان این کشورها با سرعت بیشتری در راستای سیاست تعدیل حرکت می کند. یک مشکل مهم توسعه در کشورهای عربی، سهم ناچیز بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی در مقایسه با بخش دولتی است. بیش و کم در تمامی کشورهای عربی، بخش دولتی، بخش مسلط اقتصادی است. اقتصاد کشورهای عربی همچنین از رشد اندک پس اندازهای ملی و انباشت سرمایه رنج می برد. دولت‌های عربی در سالهای اخیر تلاش می کنند تا با جذب سرمایه گذاری خارجی به اقتصاد ملی خود تحرک تازه ای داده و بازده سرمایه گذاری را بالا برند. ولی طی سال ۱۹۹۴ از رقم ۲۴۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری خارجی که در جهانی صورت گرفته، تنها ۰/۲ درصد متوجه کشورهای عرب شده است.

مؤسسات مالی و پولی که در سالهای اخیر ایجاد شده اند، تلاشهایی را برای انتقال سرمایه به کشورهای مختلف و خصوصاً کشورهای عرب انجام داده اند که

کشورهای عربی دارای بالاترین رقم سرانه هزینه تسلیحاتی در جهان می باشند. هیچ کشور عربی کمتر از ۲۳ درصد از بودجه عمومی سالانه خود را صرف هزینه های تسلیحاتی نمی کند و همین رقم از متوسط بین المللی بودجه های تسلیحاتی بالاتر است. در همین حال طی دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۵ سهم کشورهای عربی از شاخصهای بین المللی کاهش یافته است. (جدول شماره ۴) کشورهای عربی در مجموع در سال ۱۹۷۵ معادل ۲/۴۶ درصد از رشد تولید ناخالص جهانی را در اختیار داشتند. با افزایش قیمت‌های جهانی نفت طی سالهای ۱۹۷۹-۱۹۸۱، این درصد به رقم ۴/۴۶ درصد رسید. از آن پس رو به کاهش گذارد و در سال ۱۹۹۵ به سطح ۱/۹ درصد رسید. صادرات کشورهای عرب نیز از ۹ درصد جهان در سال ۱۹۷۵ به ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۰ رسید و سپس با روندی نزولی روبرو شد. در سال ۱۹۹۵، سهم صادرات کشورهای مذکور را از کل جهان به ۲/۸ درصد رسید.

به طوری که دیده شد، تجارت ما بین کشورهای عرب ناچیز است. از همین روی، کشورهای مذکور عملاً فاقد بلوکهای اقتصادی و تجاری منطقه ای که طی دهه اخیر به سرعت در حال گسترش است می باشند. شورای همکاری خلیج فارس که امروزه به عنوان یک بلوک سیاسی، نظامی منطقه ای شهرت دارد. دارای اهداف وسیع اقتصادی و بازرگانی نیز هست، لیکن عملاً فعالیتهای اقتصادی ندارد.

- صندوق اوپک (OPEC FUND) یک مؤسسه اعتباری کاملاً عربی نیست و هیئت حاکمه آن تماماً اعضای اوپک می باشند. لیکن کشورهای عربی اعضای اوپک که بیشترین مشارکت را در آن دارند، عمده سرمایه گذارها را متوجه کشورهای فقیر عربی می نمایند.

28-29 October, 1996, London.

New York

8- The Role of Oil Income in Arab Development, Saad Akashah, Presented to Oxford Energy Seminar, September 1996, London.

6- The Kingdom of Oil, Ray Vichers, Scribner's, New York, 1974.

7- The Conservative (Arab Gulf) Persian Gulf Monarchies in 2000, Josef A. Kechichian, Presented to the 17th Annual Oil and Money Conference,

۹- سیاست انرژی کشورهای عربی خلیج فارس، توماس سی بارگر، ترجمه بیژن اسدی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۶۰

است. سرمایه‌داران عرب خلیج فارس حدود ۲۴۰ میلیارد دلار در بانکها، مؤسسات مالی و اقتصادی جهان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ولی از طرف دیگر نگرانی سرمایه‌داران عرب در بازگرداندن سرمایه‌ها خود به مراتب بیش از ترس سرمایه‌گذاران بین‌المللی است. براساس اطلاعات غیررسمی هم‌اکنون ارقام بالائی از سرمایه از کشورهای عرب خارج می‌شود.

سیاستهای تعدیل اقتصادی که حتی در تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا نتایج مثبتی را در برداشته در کشورهای عربی نتایج نامطلوبی داشته است. تداوم رکود، رشد بالای جمعیت در حد بیش از ۳ درصد و ساختار جوان جمعیتی (۵۰ درصد جمعیت کمتر از ۲۲ سال)، در کوتاه مدت با اخراج کارگران خارجی قابل حل است ولی در بلند مدت سخت بحرانزا است. به گفته یکی از مسئولین بانک جهانی در کشورهای دارای رژیم خودکامه، وقتی تغییرات ساختاری اقتصاد شروع می‌شود، انقلاب از درب دیگر وارد می‌شود. کشورهای عربی و علی‌الخصوص کشورهای بالنسبه ثروتمند منطقه خلیج فارس به احتمال قوی در آستانه بحرانهای جدی قرار دارند.

فهرست منابع و مآخذ

- 1- Arab Fund for Economic and Social Development (Afed), Annual Reports.
- 2- The Arab Lands of Western Asia, Joseph J. Malona, Prentice Hall, Englewood, New Jersey, 1984.
- 3- The International Petroleum Encyclopedia, Petroleum Publishing Company, Oklahoma, 1989.
- 4- Middle East Economic Survey (MEES), the Middle East Research and Publishing Centre.
- 5- Petroleum Intelligence Weekly,

جدول شماره ۵
بهره‌براهای مالی در مناطق و مؤسسات (۳۱ دسامبر ۱۹۹۵)
(پیش‌دان دلار)

درصد	جمع	صندوق پول عربی	بانک عرب	صندوق کویت	صندوق عرب	صندوق سعودی	صندوق اوپک	صندوق ابوظبی	بانک اسلامی	مناطق
۶۰/۳	۲۵۳۳۱/۳۱	۲۳۵۲/۹۲	۰	۴۷۸۴/۱۲	۷۶۳۴/۶۷	۲۹۰۱/۰۶	۵۲۶/۳۳	۱۳۷۲/۸۴	۵۸۵۹/۳۷	۱- کشورهای عربی
۱۵/۳	۹۳۷۹/۶۶	۰	۱۳۲۷/۸۰	۱۵۷۲/۲۰	۰	۱۲۹۹/۳۳	۱۲۱۸/۵۴	۱۳۰/۲۰	۹۳۴/۳۸	۲- کشورهای آفریقایی
۲۲/۳	۹۳۹۱/۳۹	۰	۰	۲۱۷۰/۶۹	۰	۲۱۰۶/۳۲	۱۰۴۲/۹۰	۱۷۲/۲۳	۳۸۹۹/۲۵	۳- کشورهای آسیایی
۱/۳	۵۷۷/۳	۰	۰	۱۳۱/۳۲	۰	۵۹/۹۱	۳۷۵/۹۷	۰	۰	۴- کشورهای آمریکایی لاتین
۰/۵	۱۹۱/۳۳	۰	۰	۱۲۹/۲۳	۰	۳۳/۸۷	۱۱/۰	۷/۲۳	۰	۵- سایر کشورها
۱۰۰	۴۲۰۷۱/۰۹	۲۳۵۲/۹۲	۱۳۲۷/۸۰	۸۷۹۹/۶۶	۷۶۳۴/۶۷	۹۴۱۰/۶	۳۱۷۴/۸۴	۱۶۸۲/۵	۱۰۶۹۳/۱	جمع کل
	۱۰۰	۵/۶	۳/۱	۲۰/۹	۱۸/۱	۱۵/۲	۷/۵	۴	۲۵/۳	درصد

Arab coordination Group, Arab fund

به نقل از اطلس بانک جهانی، ۱۹۹۶

مآخذ: